

مبانی حق بهره مندی از محیط زیست سالم در قرآن کریم

(منبع: فصلنامه رواق اندیشه، شماره 42، فیروزی، مهدی، 1)

چکیده:

بی تردید، موضوع آلودگی محیط زیست یکی از مهمترین معضلاتی است که انسان معاصر را با چالشهای جدی روبه رو کرده است. این مسأله از آن جهت دارای اهمیت است، که علائم تهدید کننده حیات، آشکار شده و نسل حاضر و آینده را به دلیل آلودگیهای گسترده زیست محیطی، با تهدید مواجه ساخته است. از سوی دیگر، انسان بدون داشتن محیط زیستی امن و سالم، قادر نخواهد بود به زندگی طبیعی خود ادامه دهد. به همین جهت، حفظ و حمایت از محیط زیست و سالم نگه داشتن آن، به عنوان یکی از مهمترین نیازهای اساسی برای ادامه حیات، مورد توجه و عنایت همگان قرار گرفته است. حق انسانها در داشتن محیط زیستی امن و سالم، به عنوان یک حق بشری در کنار سایر حقوق شناخته شده برای بشر، چند سالی است که مورد بحث و بررسی محافل علمی و طرفداران محیط زیست است.

در این نوشتار، مبانی حق بهره مندی از محیط زیست سالم، از دیدگاه قرآن کریم مورد بحث و بررسی قرار می گیرد.

مقدمه

حفظ محیط زیست، پاسخ به یکی از نیازهای امروز جامعه برای نگاهداری بیشتر از محیط زیست و رعایت حقوق عمومی است و تخریب محیط زیست معلول نابرابریهای اجتماعی و استفاده های غلط از طبیعت و یکی از عوامل تضييع حقوق انسانهاست.⁽²⁾

با نگاهی به متون دینی می توان دریافت که محیط زیست و توجه به تأمین سلامت آن و حرکت در جهت دستیابی به محیط سالم، از حقوق اساسی بشر است؛ همانگونه که تخریب محیط زیست در اثر شناختن حقوق بشر است.⁽³⁾

انسان به عنوان اشرف مخلوقات و جانشین خداوند بر روی زمین، حق دارد از نعمتهای الهی استفاده کند؛ اما این استفاده نباید آنچنان باشد که حق دیگران در بهره برداری از این نعمت الهی در خطر قرار گیرد. به عبارت دیگر، انسان همان گونه که حق استفاده و بهره مندی از محیط زیست سالم را دارد، مسئولیت درست استفاده کردن از آن را نیز بر عهده دارد. با نگاهی به وضعیت فعلی محیط زیست، در می یابیم که انسانها در بهره برداری از طبیعت و محیط زیست به مسئولیت خود در حفظ و حراست از آن به درستی عمل نکرده اند. شاهد این سخن، بحران عظیمی است که محیط زیست دچار آن شده است. تخریب و نابودی روز افزون جنگلها و مراتع، نابودی گونه های نادر گیاهی و جانوری، آلودگی آب، خاک و هوا، استفاده از سلاحهای هسته ای و شیمیایی، ورود مواد نفتی و آلاینده های دیگر مانند: فاضلاب کارخانه ها و مجتمعهای صنعتی به رودخانه ها و دریاها، آسیب دیدن لایه ازن، بارانهای اسیدی، مصرف روز افزون سوختههای فسیلی، استفاده بی رویه از سموم دفع آفات نباتی و ده ها عامل آلوده کننده دیگر که نام بردن از آنها فقط بر تلخ کامی و ناراحتی انسان می افزاید گویای این واقعیت مهم است که بشر در داد و ستد خود با محیط زیست، راه خطرناک و مهلکی را در پیش گرفته که نتیجه آن چیزی جز به خطر افتادن سلامت و حیات انسان و دیگر موجودات نخواهد بود.

اندکی تأمل و تفکر در آمارهایی که همه روزه در مورد وضعیت محیط زیست بیان می شود، کافی است تا انسان خود را بر لب پرتگاهی احساس کند که ساخته و پرداخته خود اوست.

در مقابله با این خطر بزرگ که موجودیت انسان و دیگر جانداران را با تهدید رو به رو کرده است، تلاشهای فراوانی در سطح جهان صورت گرفته تا از شدت و پیشرفت این بحران کاسته شود. برگزاری ده ها کنفرانس بزرگ جهانی مانند «کنفرانس استکهلم، درباره محیط زیست

انسانی»،⁽⁴⁾ «کنفرانس ریو، درباره محیط زیست و توسعه»⁽⁵⁾ و به تازگی، برگزاری «اجلاس ژوهانسبورگ»⁽⁶⁾، بخشی از اقدامات جهانی در مقابله با بحران عظیمی است که جهان به واسطه آلودگی و تخریب محیط زیست گرفتار آن است.

علاوه بر این، تهیه و تصویب اسناد بین المللی فراوان در جهت مقابله با بحران زیست محیطی جهان، از جمله «اعلامیه استکهلم»⁽⁷⁾، «اعلامیه ریو»⁽⁸⁾، «منشور جهانی طبیعت»⁽⁹⁾، بخش دیگری از اقدامات بین المللی در این باره است.

یکی از اقدامات مهم در این باره، ایجاد رابطه بین محیط زیست و حقوق بشر و شناسایی حقی بشری، نسبت به محیط زیست با عنوان «حق بهره مندی از محیط زیست سالم» است، که طی چند قسمت این موضوع را مورد بررسی قرار می دهیم:

1 رابطه محیط زیست و حقوق بشر

طبیعت رو به پیشرفت مسائل بین المللی، اقتضا می کند که حفاظت از محیط زیست برای انسان امروز و نسلهای آینده، مورد توجه جدی همگان قرار گیرد؛ اما این که چگونه این امر تحقق می یابد، سوالی است که باید به آن پاسخ داده شود.

برای یافتن پاسخ این سوال اقدامات متعددی صورت گرفته و نظریات گوناگونی نیز بیان شده است، تا بشر همچنان بتواند از محیط زیست سالم خود بهره مند باشد. یکی از اموری که پیشنهاد شده و می تواند در حفظ محیط زیست مؤثر باشد، ایجاد رابطه بین محیط زیست و حقوق بشر است؛ زیرا حمایت قانونی از حقوق بشر می تواند وسیله ای جهت رسیدن به حفاظت از محیط زیست باشد. حقوقی مثل حق حیات، آزادی بیان، مشارکت سیاسی، برابری و... شامل ابزارهای قانونی بین المللی هستند که حفاظت بیشتر از محیط زیست را می طلبند. به همین جهت، برخی از حقوق دانان پیشنهاد کرده اند که برای برخورد با مسائلی که از طریق نابودی تدریجی محیط زیست گریبان گیر بشر می شود، حق

جدیدی در چارچوب حقوق بشر، مبنی بر «حق بر محیط زیست»⁽¹⁰⁾ یا «حق بهره مندی از محیط زیست شایسته، سالم و امن»⁽¹¹⁾ شناسایی شود.⁽¹²⁾

این حق، ضمن این که، داشتن محیط زیستی امن و سالم را برای همگان تضمین می کند، وظیفه خودداری از فعالیت‌هایی را که به محیط زیست صدمه می زند، بر افراد، سازمانها، شرکتها و دولت‌ها تحمیل می کند.

حق بهره مندی از محیط زیست سالم، در درون خود متضمن چند حق دیگر است که عبارتند از:

حق دسترسی به اطلاعات زیست محیطی، حق آموزش مسائل زیست محیطی، حق تصمیم‌گیری در مورد مسائل زیست محیطی و حق دادرسی و جبران خسارت زیست محیطی.

حق دسترسی به اطلاعات زیست محیطی، از یک طرف به حق افراد در کسب اطلاعات زیست محیطی بدون هیچ محدودیتی اشاره دارد و از طرف دیگر اشاره به تکالیف دولت‌ها در واگذاری این اطلاعات به افراد جامعه دارد. نکته مهم آن است که دسترسی به اطلاعات زیست محیطی شرط لازم برای تحقق حق افراد، برای مشارکت در اتخاذ تصمیمات زیست محیطی است؛ زیرا آگاهی یافتن از آثار و پیامدهای عواملی که بر محیط زیست تأثیر گذارند، وابسته به دسترسی افراد به اطلاعات زیست محیطی است. پس از این مرحله است که افراد با آگاهی کامل می‌توانند در اتخاذ تصمیمات زیست محیطی مشارکت داشته باشند.

حق دیگری که در چارچوب حق بهره مندی از محیط زیست سالم باید از آن سخن گفت، حق آموزش مسائل زیست محیطی است. این وظیفه دولتهاست که نسبت به آموزش مسائل محیط زیست به افراد جامعه اقدام کنند. این عمل می‌تواند از طریق مدارس، کتابهای آموزشی و رسانه‌های عمومی انجام پذیرد.

حق دسترسی به جبران خسارت یکی دیگر از تقسیمات حق بهره مندی از محیط زیست سالم است. بر این اساس هر شهروندی باید، حق دسترسی به مراجع قضایی و جبران خسارات زیست محیطی را داشته باشد.⁽¹³⁾

امروزه حق بهره مندی از محیط زیست سالم به وسیله بسیاری از سازمانهای بین المللی و کشورهای جهان به رسمیت شناخته شده و در تعدادی از اسناد بین المللی⁽¹⁴⁾ و قوانین اساسی کشورها⁽¹⁵⁾ مورد شناسایی قرار گرفته است.

البته درباره این حق، تعریف دقیقی ارائه نشده است؛ اما شاید بتوان منظور از محیط زیست سالم را، محیطی دانست که دارای حداقلهای یک زندگی سالم باشد.

2 اسلام و محیط زیست

اسلام به عنوان دینی جهان شمول و جامع نگر، مدعی است که پاسخگوی نیازهای متغیر انسان در هر عصری است و برای کلیه روابط و شؤون او، دارای قوانین و مقرراتی است. البته این بدان معنا نیست که برای هر موضوع با عنوان خاص و متداول امروزی آن، حکم خاصی را مقرر داشته باشد؛ بلکه کلیات، اصول و قواعدی در اسلام وجود دارد، که می توان حکم هر موضوع را از آن به دست آورد.

یکی از همین موضوعات محیط زیست است. محیط زیست با مفهوم رایج و متداول آن در عصر حاضر، بحثی کاملاً نو و تازه است که نه در اسلام و نه در هیچ مکتب دیگری سابقه نداشته است؛ اما می توان قواعد و مقررات مورد نیاز آن را از متون دینی استخراج کرد؛ به طوری که می توان یک مکتب زیست محیطی جامع را ارائه کرد.⁽¹⁶⁾

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ»⁽¹⁷⁾

یعنی: ما در این کتاب از بیان هیچ چیز فروگذار نکردیم.

در جای دیگر خطاب به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می فرمایند:

«وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ»⁽¹⁸⁾

یعنی: کتابی به سوی تو فرستادیم که بیان کامل هر چیزی در آن هست.

امام صادق علیه السلام نیز بر جامعیت اسلام تأکید کرده و می فرمایند:

خداوند در قرآن هر چیزی را بیان کرده است. به خدا سوگند، چیزی را که مورد نیاز مردم بوده، رها نکرده است، تا کسی نگوید اگر فلان مطلب درست بود، در قرآن نازل می شد. آگاه باشید همه نیازهای بشر را خداوند در آن نازل کرده است.⁽¹⁹⁾

از امام باقر علیه السلام نیز روایت شده که فرمودند:

خداوند متعال چیزی را که مورد نیاز این امت است، در کتابش فروگذار نکرده است و برای رسولش تبیین نموده است و برای هر چیزی حدی قرار داده و دلیل روشنی بر آن نهاده است و برای هر کسی که از این حدّ تجاوز کند، حدّ و مجازاتی قرار داده است.⁽²⁰⁾

بر طبق این آیات و روایات، بخوبی می توان استدلال کرد که بیان هر چیزی در قرآن هست؛ ولی با توجه به این مطلب، که قرآن یک کتاب تربیتی و انسان سازی است، که برای تکامل فرد و جامعه در همه جنبه های معنوی و مادی نازل شده است، روشن می شود که منظور از «همه چیز»، تمام اموری است که برای هدایت انسان لازم و ضروری است.⁽²¹⁾

به طور قطع، یکی از اموری که زمینه ساز سعادت و کمال انسان در دنیا و آخرت است، داشتن محیطی سالم و امن است؛ که انسان بتواند در پناه آن، به تربیت جسم و جان خویش بپردازد و اصولاً یکی از وظایف مهم بشر که حفظ جان است، جز با زیستن در محیطی امن و سالم امکان پذیر نیست.

بدین سبب، شرط اولیه داشتن روحی سالم، جسم سالم است و جسم سالم نیز فقط زمانی حاصل می شود که انسان از محیط زیست سالم بهره مند باشد.

از آنجا که انسان به عنوان جزئی از جهان عظیم خلقت، با مجموعه بزرگی از مخلوقات دیگر، از جمله طبیعت و محیط زیست در ارتباط است، بدیهی است که زندگی شایسته او، در گرو تنظیم مناسب روابط با آنها خواهد بود. اسلام در این باره راهکارهای اساسی ارائه داده است؛⁽²²⁾ به طوری که می توان گفت در اسلام، جامع ترین دیدگاه و صحیح ترین شیوه تعامل با طبیعت و محیط زیست بیان شده است.⁽²³⁾

با نگاهی به متون دینی و از جمله قرآن کریم می توان دریافت که محیط زیست و تلاش برای به حفظ و حمایت از آن، برای بهره مندی بشر از محیط زیستی امن و سالم جهت نیل به کمال، مورد اهتمام اسلام است.

آیات متعددی در قرآن بر این مسأله دلالت دارند. این آیات چند دسته هستند که به آنها اشاره می کنیم.

3 آیاتی از قرآن که محیط زیست را حق همگانی می داند

این دسته از آیات بیان می کنند که خداوند طبیعت و محیط زیست را برای انسان آفریده و انسان حق تصرف و استفاده از آن را دارد و این حق برای همه انسانها در همه زمانها وجود دارد.⁽²⁴⁾

خداوند در سوره بقره می فرماید:

«هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا»⁽²⁵⁾

یعنی: و اوست آن (آفریننده ای) که همه آنچه در زمین است برای شما آفرید.

این آیه بهره برداری از منابع و منافع زمین را متعلق به همه انسانها، در همه زمانها می داند؛ که باید به طور اصولی و صحیح، در جهت رفع نیازها و رعایت حقوق دیگر انسانها در همه دوره ها صورت پذیرد.

در آیه دیگر خداوند می فرماید:

«وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ»⁽²⁶⁾

یعنی: شما را از امکانات زمین بهره مند ساختیم و وسائل معیشت شما را در آن فراهم کردیم.

این آیه نیز، بیان کننده توانایی و امتیازی است که انسان روی زمین دارد، تا جایی که در آن وسائل زندگی او فراهم شده است. روشن است که داشتن محیط زیستی سالم، جزء اولین حقوق انسان برای زندگی در روی زمین است. بر همین اساس، خداوند نیز، پهنه طبیعت را زیستگاه انسانی قرار داده است.

در آیه 10 سوره الرحمن آمده است:

«وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ»

یعنی: و (خداوند) زمین را برای همگان قرار داد.

بر مبنای این آیه کریمه، زمین و محیط زیست آن، حق همگانی است و همه حق دارند از آن بهره مند شوند. بنابراین، استفاده از این حق، باید به گونه ای باشد که امکان استفاده و بهره برداری از آن، برای نسل حاضر و نسلهای آینده حفظ شود.

نکته ای که باید بدان توجه داشت این است که، هرگاه حقی برای انسان نسبت به چیزی پدید آید، در مقابل آن تکلیفی نیز خودنمایی خواهد کرد. به عبارت دیگر حق و تکلیف، دو روی یک سکه اند. اگر استفاده و بهره برداری از طبیعت و محیط زیست برای انسان به رسمیت شناخته شده؛ این حق، تکلیفی نیز ایجاد می کند و آن این است که انسان، وظیفه دارد به گونه ای از حق خود استفاده کند که

به حقوق دیگران لطمه ای وارد نکند. بر همین اساس، اگر انسان از محیط زیست استفاده می کند، باید استفاده او، به گونه ای باشد که به حقوق دیگران در استفاده از آن خدشه ای وارد نشود.

4 آیاتی از قرآن که آفرینش عناصر محیط زیست را برای انسان می داند

در دسته ای از آیات قرآن، خداوند با نام بردن از عناصر محیط زیست، بر آفرینش آنها برای انسان تأکید می کند.

در سوره نحل خداوند می فرماید:

«وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنَافِعُ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ»⁽²⁷⁾

یعنی: چهارپایان را آفرید که برای شما از آنها گرما (جامه های گرم) و سودهای دیگر فراهم می آید و از آنها می خورید.

در همین سوره خداوند همچنین می فرماید:

«هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً...»⁽²⁸⁾

یعنی: اوست (خدایی) که از آسمانها آب فرستاد که از آن می آشامید و بدان درخت و گیاه می روید، که در آن (روییده ها)، دامهای خود را می چرانید.

و در آیه بعد می فرمایند:

«يُنْبِتُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَابَ وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ»⁽²⁹⁾

یعنی: و با آن برایتان کشتزارها و درختهای زیتون و خرما و انگور و همه گونه محصول می رویاند.

در سوره نمل نیز خداوند می فرماید:

«وَ أَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ»⁽³⁰⁾

یعنی: برای شما از آسمان آب فرستاد، پس با آن آب، بوستانهایی شادی انگیز رویانیدیم.

این دسته از آیات که در قرآن فراوان هستند، همه یک پیام دارند و آن این که آنچه از عناصر محیط زیست در روی زمین است، برای انسانهاست و همه انسانها حق دارند از این الطاف الهی بهره مند شوند و هیچ کس نمی تواند این حق خدادادی را از آنها سلب کند.

تعبیراتی نظیر: «لکم = برای شما»، «الناس = مردم» و «الانام = همگان»، آشکارا بر این مطلب دلالت دارند، که این نعمتها، برای همه مردم و حق همه آنهاست صرف نظر از هرگونه عاملی، همچون مذهب، جنسیت، تابعیت و... و همه حق دارند تا از این نعمت ارزشمند الهی بهره مند شوند و در پناه آن، زندگی سالم و امنی داشته باشند.

5 آیاتی از قرآن که محیط زیست و عناصر آن را مسخر انسان می داند

دسته ای از آیات قرآن هستند که در آنها از واژه «تسخیر» در مورد عناصر محیط زیست برای انسانها به کار رفته است. در این آیات، آفتاب و ماه، باد و باران، کوه ها و درّه ها، جنگلها و سبزه زارها، حیوانات و سایر منابع زمینی و خلاصه همه موجودات را در خدمت انسان در آورده و همه را فرمانبردار انسان ساخته است تا او بتواند از همه آنها بهره برده و زندگی سعادت‌مندی را داشته باشد.

در فرهنگ قرآن، واژه تسخیر به دو معنی آمده است: یکی در خدمت منافع و مصالح انسان بودن مانند تسخیر خورشید و دیگری زمام اختیارش در دست بشر بودن مانند دریاها و بسیاری از موجودات زمین.⁽³¹⁾

برای این که حق انسان در استفاده و بهره برداری از طبیعت را در این قسم از آیات بیان کنیم، به چند نمونه اشاره می کنیم:

خداوند در سوره نحل می فرماید:

«وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ...»⁽³²⁾

یعنی: خداوند، خورشید و ماه را مسخر شما ساخت.

و در سوره دیگر چنین می فرماید:

«وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ...»⁽³³⁾

یعنی: خداوند، شب و روز را برای شما تسخیر کرد.

و در جای دیگر اشاره می کند:

«أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ...»⁽³⁴⁾

یعنی: آیا ندیدید که خداوند آنچه در آسمانها و زمین است، مطیع شما کرد.

در جای دیگر نیز، خداوند با مضامین مشابه قبل می فرماید:

«أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ...»⁽³⁵⁾

یعنی: آیا ندیدی خداوند آنچه را در زمین است، مسخر شما ساخت.

و موارد فراوان دیگری که بر همین معنا دلالت دارند.⁽³⁶⁾

استاد شهید مرتضی مطهری، در مورد این آیات می فرماید:

«در قرآن از مسخر کردن ماه، خورشید، شب، روز، دریا، نهرها، کوه ها، باد و هر چه در آسمان و

زمین است، یاد شده است. بدیهی است که در همه این موارد، مقصود این است که این امور طوری

آفریده شده اند که رام انسان و مورد استفاده و بهره برداری انسان هستند.»⁽³⁷⁾

از آنچه گفته شد معلوم می شود که طبیعت و محیط زیست در متون دینی، حق همه انسانها در همه دورانهاست. بنابراین، در مقابل حق استفاده ای که خداوند برای انسان در محیط زیست و طبیعت قائل شده است، وظیفه ای نیز بر عهده او گذاشته است که آن، حفظ و حمایت و بهره برداری صحیح از محیط زیست است؛ زیرا هدف خداوند از در اختیار گذاشتن طبیعت برای انسان این است که جهت رفاه، آسایش و تکامل خود از آن بهره مند شود. بنابراین، اگر در استفاده از این امکانی که در اختیار او قرار گرفته، زیاده روی کند، بر خلاف آن هدف متعالی اقدام کرده که نتیجه اش به خطر افتادن حیات خود او و دیگران و بازماندن از سیر تکاملی در مسیر سعادت دنیا و آخرت خواهد بود.

به عنوان مثال، علم و فناوری، مهمترین ابزار تصرف انسان در طبیعت است. تلاش علمی و به کارگیری فناوری در طبیعت و محیط زیست برای این است، که انسان بتواند از محیط زیست و طبیعت، جهت فراهم آوردن یک زندگی سعادت‌مندانه همراه با امنیت و آرامش استفاده کند؛ اما اگر انسان در استفاده از علم و فناوری برای تصرف در محیط زیست زیاده روی کند، ثمره ای جز مقهوریت و مغلوبیت او در مقابل سلطه زندگی ماشینی و صنعتی نخواهد داشت. این همان چیزی است که امروزه شاهد آن هستیم و به طور قطع هم خلاف دستورات و تعالیم اسلام است؛ زیرا اسلام، تسلط بر طبیعت را می خواهد، اما زیاده روی در این امر باعث شده که کار از دست انسان خارج شود؛ به گونه ای که سلامت، امنیت و انسانیت او در میان پیچ و مهره های این زندگی صنعتی و ماشینی گم شده است.⁽³⁸⁾

با این همه، تصرف در محیط زیست باید به گونه ای باشد که انسان را در جهت دستیابی به حیات طیبه و توسعه متعادل که ضامن ارتقای وضع جسمی و روحی بشر است، یاری کند.⁽³⁹⁾ به عبارت دیگر، تصرف در محیط زیست باید به شیوه ای باشد که آدمی را به غایت و هدف خلقت برساند. بدین جهت، استفاده از آن به طور دلخواه و بدون در نظر گرفتن این که این نعمتها وسیله اند نه هدف، خود باعث گمراهی و انحراف انسان از مسیر حق خواهد بود. انسان به عنوان موجودی مختار، باید به این واقعیت تن دهد، که زمین همان گونه که محل رشد تکوینی و جسمی اوست، باید محیط تکامل

روحی و معنوی او نیز باشد؛ و چون اسباب و مقدمات تکامل روحی اش، ارادی و اختیاری است، پس باید به شیوه ای عالمانه و مدبرانه از محیط زیست، برای این هدف متعالی استفاده کند؛⁽⁴⁰⁾ زیرا رسیدن به تکامل روحی و معنوی بدون بهره مندی از محیط زیستی امن و سالم امکان پذیر نخواهد بود.

6 حق بر محیط زیست، تکلیف و مسؤولیت در برابر محیط زیست را در پی دارد

تا اینجا بیان کردیم که انسان حق دارد از محیط زیست سالم برخوردار باشد و آیات قرآن هم بر همین امر دلالت می کرد. اما نکته مهم این است، که هر حقی، تکلیفی را در پی دارد؛ یعنی همان طور که انسان حق دارد از محیط زیست سالم بهره مند باشد، این تکلیف را نیز دارد که این حق را برای دیگران به رسمیت بشناسد و از هر عملی که دیگران را از داشتن محیط زیستی سالم، محروم کند، خودداری نماید.

مقام معظم رهبری در این باره می فرمایند:

«هدف متعالی اسلام، برخوردار ساختن همه نسلها از نعمتهای الهی، و ایجاد جامعه ای سالم و به دور از فاصله طبقاتی، و مستعد برای رشد و شکوفایی است و الزامات شرعی، برای حفظ تعادل و توازن در استفاده از مواهب طبیعی، با پرهیز از زیاده روی، و تعبد به عدم اضرار به غیر را، فراهم آورده است.»⁽⁴¹⁾

بنابراین، تصرف انسان در طبیعت و محیط زیست مطلق و نامحدود نیست؛ بلکه مقید به چارچوبهایی است که باید آنها را رعایت کند. از جمله: عدم اضرار به غیر، رعایت حقوق دیگران و حفظ حقوق نسلهای آینده. عواملی همچون ایمان و اخلاق اسلامی از اموری است که می تواند رابطه ای مسالمت آمیز بین انسان و محیط زیست برقرار کرده و به سلامتی و شادابی انسان و محیط زیست منجر شود.

بر همین اساس، در قرآن کریم، خداوند همان طور که حق بهره برداری از محیط زیست و طبیعت را برای انسان قرار داده، مسؤلیت عمران و آبادانی زمین را هم بر عهده او گذاشته است. در سوره هود آمده است:

«هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا»⁽⁴²⁾

یعنی: خداوند شما را از زمین پدید آورد و آبادی آن را به شما واگذاشت.

از این آیه استفاده می شود که محافظت، عمران و آباد کردن محیط زیست از وظایف انسان است و هر عملی که با آبادانی محیط زیست منافات داشته باشد، ممنوع است.

نکته ظریفی که در این آیه وجود دارد آن است که قرآن نمی گوید، خداوند زمین را آباد کرد و در اختیار شما گذاشت؛ بلکه می فرماید: عمران و آبادانی زمین را به شما واگذار کرد. پس انسان مسؤلیت عمران و آبادانی زمین را بر عهده دارد⁽⁴³⁾ و مفهوم آیه این است که تخریب محیط زیست و نابودی آن، مخالف عمران و آبادانی است، پس باید از آن پرهیز نمود.

قرآن کریم بارها بر رفتارهای سازنده و اصلاح گرانه تأکید کرده که به طور قطع، یکی از رفتارهای اصلاح گرانه در زمین حفظ و حراست از طبیعت و محیط زیست است و در مقابل، از رفتارهای فسادانگیز نهی کرده است. در قرآن کریم در بسیاری موارد، واژه «صلاح» در مقابل «فساد» آمده است. خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا...»⁽⁴⁴⁾

یعنی: و در زمین پس از اصلاح آن فساد نکنید.

بدون شک، تخریب، نابودی و آلوده سازی محیط زیست یکی از مصادیق مهم رفتارهای فسادانگیز در زمین است. همانگونه که در آیه بالا هم آمده است، در بسیاری از آیات قرآن، واژه «فساد» همراه با «فی الارض» آمده است که این فساد در زمین، شامل فساد در طبیعت و محیط زیست نیز خواهد

بود. به همین جهت، قرآن کریم با بیان عناصر محیط زیست و طبیعت، تخریب و نابودی آنها را مصداق بارز فساد می‌داند و خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«وَ إِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ»⁽⁴⁵⁾

یعنی: هنگامی که روی بر می‌گردانند (و از نزد تو خارج می‌شوند) در راه فساد در زمین، کوشش می‌کنند و زراعتها و چهارپایان را نابود می‌سازند، (با این که می‌دانند) خدا فساد را دوست نمی‌دارد.

از آیات یاد شده استفاده می‌شود که فساد دارای مفهومی بسیار گسترده است و شامل هرگونه نابسامانی، ویران‌گری، انحراف و ظلم می‌گردد. به عبارت دیگر، فساد به هر گونه تخریب و ویرانگری گفته می‌شود که نظام آفرینش را دچار مخاطره کند. یکی از نظمهای موجود در آفرینش، نظم حاکم بر طبیعت و محیط زیست است که هرگونه تخریب و نابودی آن، مشمول نهی در این آیات خواهد شد. از این رو، هرگونه رفتاری که به بروز فساد و تخریب در عرصه محیط زیست ختم گردد، در تضاد با تعالیم عالییه اسلام بوده و ممنوع است. بر همین اساس، انسان باید در عین استفاده و بهره‌برداری از محیط زیست، از هرگونه رفتار غیراصولی و فسادانگیز در این باره بپرهیزد.

بنابراین، انسانها در عین این که حق استفاده از محیط زیست را دارا هستند، باید این حق را برای دیگران نیز قائل باشند؛ به این معنی که، با سوء استفاده از حق خود، حق دیگران را در بهره‌مندی از محیط زیست سالم، پایمال نکنند.

سخن پایانی

انسان به عنوان جزئی از این جهان، باید با دیگر مخلوقات خداوند همکاری سازنده و پایدار داشته باشد. محیط زیست و طبیعت، محلی است که انسان در آن متولد شده و رشد و نمو کرده است و گهواره انسان محسوب می‌شود. بدین سبب، باید به گونه‌ای با آن رابطه برقرار کند که ضمن برخوردار شدن از مواهب طبیعی، در حفظ سلامت و پایداری آن نیز بکوشد.

آیات و روایات فراوانی وجود دارد که نشان می دهد خداوند، طبیعت و محیط زیست را برای انسان آفریده و او حق تصرف در آن را دارد؛ اما از سوی دیگر تأکید می کند، که حق بهره مندی از محیط زیست، اختصاص به یک نسل ندارد. از این رو، باید بهره برداری از آن اصولی و عادلانه باشد؛ به طوری که هم نسل حاضر و هم نسلهای آینده بتوانند در پناه آن زندگی سالمی داشته باشند. بنابراین، سوء استفاده از این حق که منجر به آلوده سازی، تخریب و نابودی محیط زیست شود و در نتیجه به حق دیگران بویژه نسلهای آینده در استفاده از آن خللی وارد کند، ممنوع است.

1 کارشناس ارشد حقوق بین الملل و پژوهشگر دانشگاه مفید.

2 مقام معظم رهبری، پیام به اولین همایش حقوق محیط زیست، روزنامه ایران، 1382/3/22.

3 عبدالله جوادی آملی، انتظار بشر از دین، اسراء، قم، 1380، ص 191.

4 این کنفرانس به موجب قطعنامه شماره (2398××) III مجمع عمومی، از پنجم تا شانزدهم ژوئن 1972، در شهر «استکهلم» پایتخت سوئد برگزار شد. این کنفرانس، بزرگترین کنفرانس بین المللی در مورد محیط زیست بود که تا این تاریخ تشکیل شده بود و در آن، بیش از 6000 نفر به نمایندگی از 113 کشور و نزدیک به همین تعداد نمایندگانی از سازمانهای بین المللی و 700 ناظر اعزامی از 400 سازمان غیر دولتی و 1500 خبرنگار شرکت داشتند. در این کنفرانس چند سند مهم به تصویب رسید، که از جمله می توان به «اعلامیه کنفرانس ملل متحد در مورد محیط زیست» در 26 اصل با هدف حفاظت از محیط زیست و یک دستورالعمل یا «برنامه عمل» مشتمل بر 109 توصیه، در مورد تمهیدات هماهنگ برای مقابله با مشکلات زیست محیطی اشاره کرد. ر.ک.: آون گرین، محیط زیست، ترجمه احمد علیخانی، تهران، 1379، صص 3430؛ همچنین ر.ک.:

Patricia W. Birnie and Alan E. Boyle, Basic Documents on International law
and Environment, clarendon press, Oxford, 1996, PP.2-8

5 بیست سال پس از کنفرانس استکهلم، سازمان ملل در راستای رفع نارسایی ها و کمبودهای موجود، و با توجه به شرایط جدید، کنفرانسی را تحت عنوان «کنفرانس ملل متحد درباره محیط زیست و توسعه»، از سوم تا چهاردهم ژوئن 1992، در شهر «ریودوژانیرو» پایتخت برزیل برگزار کرد. در این کنفرانس که به موجب قطعنامه 44/228 مجمع عمومی تشکیل شد، 172 دولت، 6 سازمان بین المللی وابسته به سازمان ملل، 10/000 نفر شرکت کننده شامل 116 نفر از سران دولتها، 1400 نفر از سازمانهای غیردولتی و حدود 9000 روزنامه نگار شرکت داشتند. مسائل مطرح شده در این کنفرانس عبارت بود از: محافظت از اتمسفر، کنترل آلودگی هوا، حفاظت از تنوع گونه ها، دفع صحیح مواد زائد، بهبود کیفیت زندگی، سلامت انسانها، حفاظت از اقیانوسها، حفاظت از جنگلها و بالاخره مسائل مالی جهت مبارزه با آلودگی محیط زیست. اسناد تصویب شده در این کنفرانس عبارت بودند از: «اعلامیه کنفرانس ملل متحد درباره محیط زیست و توسعه»، «اعلامیه اصول در مورد جنگلها»، «طرح اقدام برای قرن 21». در ضمن در حاشیه این کنفرانس دو سند مهم دیگر با عناوین «کنوانسیون تنوع گونه های زیستی» و «کنوانسیون تغییرات آب و هوایی» هم به تصویب رسید. ر.ک.: اردشیر امیر ارجمند، حفاظت از محیط زیست و همبستگی بین المللی، مجله تحقیقات حقوقی، ش 15، تابستان 1374، صص 342336؛ آون گرین، پیشین، ص 9؛ احمد لواسانی، کنفرانس بین المللی محیط زیست در ریو، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران، 1372، صص 5652.

6 پس از گذشت 10 سال از کنفرانس ریو، کنفرانس بزرگ زیست محیطی با عنوان «کنفرانس سران توسعه پایدار»، از بیست و ششم آگوست تا چهارم سپتامبر 2002 در ژوهانسبورگ، پایتخت آفریقای جنوبی با هدف بررسی و ارزیابی اجرای دستور کار 21، که در کنفرانس ریو به تصویب رسیده بود، برگزار شد. در این کنفرانس راه های مبارزه با فقر، تخریب محیط زیست، مقابله با رشد

بی رویه جمعیت و مباحث زیست محیطی دیگر مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در پایان نیز سندی جهت اجرایی کردن تصمیمات متخذه، به تصویب رسید. WWW.Johannesburg summit.org

7 برای ملاحظه متن فارسی اعلامیه ر.ک.: اردشیر امیرارجمند، پیشین، صص 426421 و برای ملاحظه متن انگلیسی آن نگاه کنید:

.Patricia W.Birnie and Alan E.Boyle, Op.cit, PP.2-8

8 برای ملاحظه متن فارسی اعلامیه ر.ک.: همان، صص 436431 و برای ملاحظه متن انگلیسی نگاه کنید: **.Ibid, pp.9-14**.

.Ibid, PP. 15-20 -9

.Right to Environment -10

.Right to Decent, Healthful and safe Environment -11

12 ر.ک.: علیرضا پارسا، محیط زیست و حقوق بشر، اطلاعات سیاسی اقتصادی، ش 136135، صص 130.

13 ر.ک.: گودرز افتخار جهرمی، حق بر محیط زیست، با تأکید بر حق دسترسی بر اطلاعات زیست محیطی، نخستین همایش حقوق محیط زیست ایران، تهران، 1382، صص 41.

14 به عنوان نمونه می توان از: اعلامیه استکهلم، پیش از طرح سومین میثاق بین المللی حقوق همبستگی، منشور آفریقایی حقوق بشر و پروتکل الحاقی به کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر نام برد.

15 قوانین اساسی بیش از 60 کشور جهان، که اخیراً تصویب یا اصلاح شده، این حق را به رسمیت شناخته اند. برای نمونه، اصل 50 قانون اساسی اوکراین مصوب 28 ژوئن 1996 بیان می کند که:

«هر فرد حق دارد که از محیط زیستی امن و سالم و جبران خسارات ناشی از نقص این حق برخوردار باشد». به نقل از: دیناه شلتون، تشریفات و آیین دادرسی حقوق بین الملل محیط زیست، ترجمه محمدحسن حبیبی، انتشارات دانشگاه تهران، 1381، ج 2، ص 319.

16 ر.ک.: ابوالقاسم گرجی، اسلام و محیط زیست، مجله نور علم، ش 4، خرداد 1363، ص 115.

17 انعام / 38.

18 نحل / 89.

19 «ان الله تبارک و تعالی انزل فی القرآن تبیان کل شیء...»، عبد علی بن جمعه الحویزی، تفسیر نور الثقلین، دارالکتب العلمیه، قم، 1342، ج 3، ص 74؛ محمد بن یعقوب الکلینی، اصول الکافی، دار التعارف للمطبوعات، 1411 ق.، ج 1، ص 113.

20 محمد بن یعقوب الکلینی، همان، ص 113.

21 ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، دار الکتب الاسلامیه، تهران، 1379، ج 11، ص 361.

22 محمد ربانی، بهره گیری شایسته از محیط زیست با الهام از تعالیم اسلام، مجموعه مقالات همایش اسلام و محیط زیست، سازمان حفاظت محیط زیست، تهران، 1378، ص 223.

23 مقام معظم رهبری، پیشین، ص 4.

24 ر.ک.: ابوالقاسم گرجی، پیشین، ص 115.

25 بقره / 29.

26 اعراف / 10.

27 نحل / 5.

28 نحل / 10.

29 نحل / 11.

30 نمل / 60.

31 ناصر مکارم شیرازی و دیگران، پیشین، ج 10، ص 356.

32 ابراهیم / 33.

33 نحل / 12.

34 لقمان / 20.

35 حج / 65.

36 به عنوان نمونه ر.ک.: حج / 36؛ نحل / 14.

37 مرتضی مطهری، مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی، صدرا، تهران، 1373، ج 2، ص 57.

38 ر.ک.: محمد جواد باهنر، انسان و خودسازی، به نقل از: صادق اصغری لقمجانی؛ مبانی حفاظت

از محیط زیست در اسلام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی و سازمان حفاظت محیط زیست، تهران،

1378، ص 87.

39 محمد ربانی، پیشین، ص 233.

40 صادق اصغری لقمجانی، پیشین، ص 92.

41 مقام معظم رهبری، پیشین، ص 4.

42 هود / 61.

43 ناصر مکارم شیرازی و دیگران، پیشین، ج 9، ص 151.

44 اعراف / 56.

45 بقره / 205.